

کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی از منظر اسلام

سیده فاطمه آقاجانپور میر*

چکیده

انسان اولیه همواره نگران و دلواپس بنیادی‌ترین نیازهای زندگی خود یعنی غذا، پوشاک و پناهگاه بود. در این راستا تلاش بسیاری نمود؛ به تدریج نیازهای مادی او افزایش یافت و زندگی کردن به صورت اجتماعی را بر اساس ضرورت و نیاز فراگرفت. مجبور به اندیشه و تفکر در مورد آینده و راه‌های رسیدن به منافع شخصی خود شد و برای رسیدن به منافع خود منافع دیگری را نادیده گرفت. برای رسیدن به خواسته‌هایش دست به جنگ و غارت زد، و برای این کار از هر نوع سلاحی که در اختیار داشت استفاده کرد. با گذر زمان و پیشرفت علم، سلاح‌های در دست بشر نیز ارتقاء یافت و به تدریج استفاده از سلاح کشتار جمعی اتفاق افتاد. با مرور زمان و ازدیاد جنگ در تاریخ، بشر متوجه تلفات و خطرات ناشی از جنگ که او را تهدید می‌کرد شد. سلاح‌های کشتار جمعی که موجب آسیب زیادی در جنگ‌ها شده است، با کرامت انسانی و اصول عدالت ناسازگار است. بسیاری از مذاهب، فلاسفه و حقوقدانان در طول تاریخ تلاش کردند که جلوی این همه تلفات را بگیرند. با شکل‌گیری حقوق بین‌الملل و پایه‌گذاری قوانین بین‌المللی سعی شد از تلفات انسانی جلوگیری شود. اما باید اشاره کرد که قبل از به وجود آمدن حقوق بین‌الملل، اسلام و ادیان دیگر به مسئله کرامت انسانی و حق حیات توجه ویژه‌ای داشتند و ظلم و ستم را نمی‌پذیرفتند. آن چه که در مقام تحقیق درباره سلاح‌های کشتار جمعی توجه به آن در دوران کنونی ضروری است، نظریات و دیدگاه‌های اسلامی موجود در مورد استفاده از این سلاح‌ها می‌باشد و پرداختن به این سوال مهم که آیا اسلام این سلاح‌ها را مجاز می‌داند؟

کلید واژگان: جنگ، سلاح کشتار جمعی، کرامت انسانی، اسلام.

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) / شماره ۴۸ / ه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

f.aghajanpoor@ymail.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دوازدهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۱۱-۷۷

کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی از منظر اسلام

سیده فاطمه آقاجانپور میر *

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا يَغْيِرُ نَفْسًا أَوْ فسادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا

النَّاسَ جَمِيعًا

هر کس شخصی را بی‌آنکه کسی را کشته باشد یا فساد در زمین کرده باشد بکشد مثل این است که همه مردم را کشته است، و هر کس شخصی را زنده بدارد مثل این است که همه مردم را زنده داشته است.
"سوره مائده آیه ۳۲"

دیباچه

در سنت‌های دینی و اخلاقی کهن و بزرگ این رهنمود را در می‌یابیم «نباید کسی را بکشی» یا به تعبیر مثبت «باید حیات دیگران را محترم شماری». همه انسان‌ها از حق زندگی، امنیت و رشد آزاد شخصیت خود برخوردارند تا جایی که به حقوق دیگران آسیب نرسانند. هیچ کس حق ندارد جسم یا روح انسانی را مورد شکنجه و آسیب قرار دهد، چه رسد به اینکه او را به قتل برساند. روشن است که زندگی جمعی انسان تعارض را به همراه

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

f.aghajanpoor@ymail.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دوازدهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۱۱-۷۷

دارد، اما این تعارض‌ها باید بدون خشونت و در چارچوبی عادلانه حل و فصل بشوند. این مطلب هم در مورد حکومت‌ها و هم در مورد افراد صادق است. افرادی که قدرت سیاسی دارند باید در چارچوب نظمی عادلانه عمل کنند. (قربان نیا ۱۳۸۷، ۲۱۷) اسلام به عنوان یک دین آسمانی، پیام آور رحمت و صلح است. اسلام تجاوز و کشتن انسان‌ها را مجاز نمی‌داند. البته جهاد را با شرایطی خاص والا می‌داند. اسلام به مسأله امنیت و کسب توانایی دفاع و تسلیح نیروی نظامی و دفاعی به منظور ترساندن دشمن و بازداشتن آنها از تجاوز و صیانت از امنیت نظام اسلامی توجه ویژه‌ای داشت و در آیات زیادی به این مسأله اشاره کرده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مَنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (انفاق، ۶۰)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: انا نبی الرحمة وانا نبی الملحمة. ویا در روایتی دیگر نیز فرمودند: «انا الضحکوک القتال» «یعنی من گشاده رو هستم و به وقت لزوم جنگاور» (حمیداله ۱۳۸۰، ۱۸۱) این دو روایت خود نشان می‌دهد که اسلام توجه ویژه‌ای به حقوق جنگ داشته است و اینگونه نبود که بی قاعده باشد. اسلام دین رأفت است و درمقابل برای همه اصول جنگ پیش بینی‌هایی کرده است. البته به مسأله جان و حرمت انسان‌ها توجه وافر داشته است و همواره تأکید بر کرامت انسانی داشته است. در این نوشتار با بررسی آیات و روایات و رجوع به سیره نبوی، به کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی از منظر اسلام خواهیم پرداخت.

کرامت انسانی

ادیان همواره بر نوعی انسان‌گرایی و تکریم انسان تأکید داشته‌اند. می‌توان گفت برداشت مدرن از انسان و تأکید بر انسان‌گرایی ریشه در برداشت‌های دینی دارد. مایکل پری معتقد است حقوق بشر، دینی است و مسأله کرامت ذاتی بشر مورد تأکید ادیان و فیلسوفان قرار دارد. در تورات در مورد قصاص این چنین آمده است:

« کشتن انسان‌ها جایز نیست، زیرا انسان شبیه خداوند آفریده شده است.» (قربان نیا

۱۳۸۷، ۱۰۳-۱۰۲)

خداوند در قرآن می‌فرماید:

« براستی که ما فرزندان آدم را گرامی (مکرم) داشته ایم؛ برای آنان وسائل سفر در بر و بحر را مهیا کرده؛ معاش نیک و ناب به آنان داده؛ و به آنان الطاف خاصه‌ای بیشتر از همه دیگر مخلوقات خود عطا کرده ایم. » (الاسراء، ۷۰).

کرامت انسانی، اصل اساسی در دیدگاه اسلام در رابطه با حقوق مردم در جنگ و صلح است. بر این اساس، حقوق خاصی وجود دارند که افراد (مسلمان و غیرمسلمان) چه در جنگ و چه در صلح مشمول آن می‌شوند. مهم‌ترین چنین حقوقی کرامت انسانی است که در هیچ شرایطی نباید نادیده گرفته شود. کرامت انسانی در اسلام را میتوان به مثابه یک «کرامت طبیعی» در نظر گرفت که هر انسانی به صرف انسان بودن از آن بهره مند است، که این به دلیل این حقیقت است که انسان از مخلوقات خداست، و در نتیجه قابل احترام. بر مبنای اصل کرامت انسان، اسلام همچنین به انسان این فرصت را می‌دهد تا از راه پارسایی به پیشرفت و تکامل بیشتری دست یابد. درقرآن آمده است:

«ای انسان‌ها! ما شما را از یک جفت نر و ماده آفریدیم، و درملت‌ها و قبائل مختلف نهادیم تا یکدیگر را بشناسید. هرآینه رستگارتیرین شما نزد خدا پارساتیرین شماست. و خدا (بر همه چیز) دانا و آگاه است.» (حجرات، ۱۳)

بنا به گفته محمد تقی جعفری همه گروه‌های مردم (مسلمان و غیرمسلمان) دارای حقوق مشترک ذیل هستند:

حق حیات، حق کرامت ذاتی، حق کار، حق تحصیل، حق آزادی. هر انسانی که در راه تکامل گام برمی‌دارد وقواعد ومقررات مفید جامعه خود را محترم شمرده و به کار بندد، به رستگاری دست خواهد یافت. همه مردم چون خانواده خداوندند که عزیزترین شان مفیدترین عضو برای دیگر اعضای خانواده است.

بر مبنای اصل بنیادین کرامت انسانی، اسلام ضامن انواع مختلف آزادی است، حتی آزادی انتخاب دینی که نباید اجباری باشد. خداوند درقرآن می‌فرماید: «در دین اجباری نیست، راستی کاملاً از ناراستی جداست...» (محقق داماد ۱۳۸۶، ۹۹)

درآموزه‌های دینی تأکید وافری بر صیانت از کرامت انسان‌ها شده است و دستورات

زیادی دال بر ضرورت پاسداری از حریم و کیان انسانیت به آحاد افراد جامعه - حاکمان و حتی خود شخص نسبت به خودش داده شده است. امیر مومنان می‌فرماید: بهای وجودی انسان چیزی جز بهشت نیست و نباید خود را به ارزان‌تر از آن بفروشد.

« من هانت علیه نفساً فلا تامن شره»، یعنی انسان آن قدر مقام دارد که حتی تصرف او در بدن خودش به اصطلاح «ید امانی» است و محق و مجاز نیست در امانت جسم و جان خویش خیانت کند. انسان مملوک رب است و جسم و جان نعماتی است که به وی تعلق گرفته اماناتی است که باید در جهت مشخصی به کار برده شود.

اسلام بیشترین اهتمام را در حفظ نعم الهی و در رأس آنها حفظ نفوس (نه تنها مسلمانان بلکه ابناء بشر) دارد - نهاد وجود انسان را محتمل غربت و کرامت مبتنی بر فطرت الهی می‌داند. (دری نجف آبادی ۱۳۸۶، ۷۴۲)

اسلام ملاحظات انسانی را نسبت به همه آدمیان، حتی بزهکاران روا می‌دارد و این عمق نگاه مکتب و آئین اسلام نسبت به انسان و میزان حرمت و کرامت وی را نشان می‌دهد و گرنه کرامت انسان‌های فرزانه و با پروا بسیار واضح و بی نیاز از تأکید است. (قربان نیا ۱۳۸۷، ۱۰۴)

روایات زیادی از معصومان (ع) بر لزوم حفظ حیثیت، آبرو و کرامت انسانی همه انسان‌ها دلالت دارد. در روایات بر مصونیت جان، آبرو، مال و شغل همه شهروندان، حتی مخالفان سیاسی دولت اسلامی تأکید شده است. حضرت امیر (ع) از خوارج پس از آنکه سلاح به دست گرفته با آن حضرت جنگیدند هرگز به عنوان منافق یا مشرک یاد نکرد، بلکه می‌فرمود اینان برادران ما هستند که بر ما یورش آوردند.

امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر (استاندارش در مصر) فرمود:

«پیوسته قلبت را از مهر به شهروندان مالا مال کن. زنهار نسبت به مردم همچون جانوران درنده‌ای که برای خوردنشان دنبال فرصت می‌گردند نباش، چه آنان بر دو دسته‌اند: یا برادر دینی ات به شمار می‌روند و یا اینکه در آفرینش مانند تو اند...»

جابرین عبدالله نقل می‌کند پیامبر بر جنازه یک یهودی به حالت احترام ایستاد.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا باید به جنازه مردگان حرمت نهاد؟ پیکر

مرده‌ای که از هرگونه احساس و ادراک ظاهری محروم شده است دیگر چه نیازی به احترام زندگان دارد؟

بر طبق روایات پیامبر می‌توان به این پرسش این‌گونه پاسخ داد:

- حضور فرشتگان با جنازه

- وحشت مرگ

- شرف نفس انسانی

آموزه‌های دینی ضمن تأکید بر کرامت انسانی، انسان صاحب کرامت را در صورت ارتکاب جرم مستحق مجازات بعضاً شدید می‌دانند. بی تردید از آموزه‌های دینی بعنوان یکی از منابع مهم و غنی علم و معرفت مدد جست، بی اعتنائی به اصول و ضوابط دینی در این باره همچون همه زمینه‌های دیگر بشر را سرگردان و حیران می‌سازد. اگر تحت پوشش کرامت انسانی برای جنایتکاران و متجاوزان به حریم حقوق انسان‌ها نوعی مصونیت ایجاد شود، در آن صورت با قطع نظر از پیامدهای بد اجتماعی ناشی از بی‌کیفری، خود نهضت دفاع از کرامت انسان نیز دچار آسیب خواهد شد.

به لحاظ عمومیت اصل کرامت، هیچ‌کس نمی‌تواند کرامت ذاتی انسان دیگری را نقض کند، بلکه مکلف است آن را همچون یک تکلیف الزامی رعایت کند.

نکته قابل توجه این است که هر انسانی نه تنها مکلف است کرامت دیگران را پاس بدارد، بلکه، همچنین مکلف است از کرامت خویش پاسداری نماید. چنان‌که هیچ انسانی نمی‌توان حق حیات خود را زایل سازد، نمی‌تواند از حق کرامت و حرمت خویش صرف نظر نماید. از حضرت امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

« خداوند اختیار مومنان را در دست خود آنان قرار داده است. اما ذلیل و خوار شدن را

دراختیار آنان قرار نداده است.» (قربان نیا ۱۳۸۷، ۱۰۸-۱۰۴)

حق حیات

در اسلام حیات به عنوان موهبت الهی و به عنوان یک حق اصیل واولی دیده شده و لزوم آن برای همه انسان‌ها تضمین شده است و اصلی‌ترین عامل قیام ذات انسان به آن است. بنابراین خداوند هرگونه سلب حیات را نهی کرده است مگر خداوند آن را مقرر کرده باشد. (یوسفی راد ۱۳۸۶، ۱۱۵) «ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق». (انعام، ۱۵۱)

خداوند در قرآن کریم قتل یک انسان را برابر با کشتن همه انسان‌ها توصیف نموده است.^۱ از این آیه می‌توان برداشت کرد که کشتن انسان‌ها جنایت علیه بشریت است. امام علی (ع) در بخشی از فرمان خود به مالک اشتر (استاندار وی در مصر) فرمود:

« و پرهیز از خون‌ها و ریختن آن‌ها به ناروا که چیزی چون ریختن خون بناحق، آدمی را به کیفر نرساند و گناه را بزرگ نگرداند و نعمت را نبرد ورشته عمر را نبرد.» (قربان نیا ۱۳۸۷، ۱۸۷)

اسلام حیات را نه در حد حیات فرد بلکه حیات جمعی تعریف می‌کند بنابراین، کسی که حق حیات دارد حق تشکیل خانواده و در کنار یکدیگر بودن را هم قائل است و حقی برای اعضای خانواده نسبت به یکدیگر هم قائل است. به همین جهت این اصل را پذیرفته که همگان حق دارند در کنار اعضای خانواده خود باشند و این حق از طریق تنقیح مناط برای اسیران هم قائل است و به آن‌ها حق دیدار از خانواده شان داده است.

حفظ حریم حق حیات در اسلام تا آنجا پیش می‌رود که اگر استفاده از چیزی زمینه - نه علت - از بین بردن فردی از افراد بشر شود، یا استفاده بی هدف از آن شود، مورد نهی واقع شده است. بر طبق این اصل نمی‌توان بدون هدف نظامی محض از سلاح جنگی استفاده نمود و نیز نمی‌توان به بهانه نیروی نظامی هرکسی را نشانه گرفت. بلکه باید فقط رزمنده جنگی مورد هدف گیری واقع شود. در تاریخ سیره عملی مسلمین آمده است که عمر خلیفه دوم خالد بن ولید را به خاطر اینکه نباید دشمنی را که مستحق کشتن نبود، می‌کشت از مسئولیتش برکناری کند و می‌گوید که « به راستی که شمشیر خالد شقاوت باراست» همین طور حق حیات برای کسانی که در محیط جنگی از عابرین غیر نظامی هستند محترم شمرده شده و نباید کسی متعرض آنان شود یا به آنان حمله کند. این ویژگی حقوق بشردوستانه اسلام است که گستره رعایت حقوق افراد در محیطی جنگی را تا بدین حد می‌کشاند و این چنین توجهی قبل از آن است که جامعه بین‌المللی تجارب تلخ نقض حقوق بشر دوستانه را در تخصصات میان جوامع و میان دولت‌ها درک کند و به چاره جویی از آن برآید.

اسلام اصل را بر هدایت مخالفین و دشمنان خود گذاشته است مگر دشمنانی که علیه

۱. من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعا. سوره مائده ایه ۳۲

اسلام به توطئه و ستیزه جویی و مخاصمه برآیند. بنابر این، اگر چه مطلوب اسلامی از حیات و زندگی، حیاتی است که همراه با هدایت الهی و پذیرش حق تعالی باشد اما به نظر به آن چه در عالم واقع وجود دارد اصل را بر بقاء حیات دشمن گذارده که سلاح خود را بر زمین نهاده و ترک مخاصمه نموده است.

« فَإِنْ اعْتَزَلْتُمْ فَلَمْ يُفَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ». (نساء، ۹۰)

« اگر کفار از جنگ با شما کناره گرفتند و از سر صلح و تسلیم برآمدند خداوند برای شما راهی را بر علیه آنها نگشوده است و مال و جان آنها را بر شما حلال نکرده است. »

چنانچه در کتب فقهی اصلی تحت عنوان «مراجعة مشتبیه» آمده مبنی بر اینکه اگر کافری به خیال اینکه مسلمین به او امان داده‌اند، وارد حدود مسلمین شود و حال آنکه در واقع چنین نبوده است، نباید او را کشت و باید او را به محل اولش مراجعت داد. (یوسفی راد ۱۳۸۶، ۱۱۶-۱۱۵)

اخلاق در اسلام

امروزه بخش عمده‌ای از بازیگران نظام بین الملل، پیروان ادیان الهی هستند و البته بخش قابل توجهی از آنها مسلمانند. به همین دلیل می‌توان گفت بخصوص دین اسلام، از طریق پیروان خود بطور مستقیم یا غیرمستقیم در حوزه‌های روابط بین الملل تأثیرگذار است و طبیعی است که نوع و نحوه تأثیرگذاری به نوع درک و خوانش بازیگران مسلمان از آموزه‌های سیاسی و بین‌المللی اسلام بستگی دارد. نکته‌ای که اساساً غیر قابل انکار است اینکه ادیان عموماً و دین اسلام خصوصاً بر اخلاق پای می‌فشارند و ترویج و پایبندی به مبانی و اصول اخلاقی را از جمله رسالت‌های مهم خود بشمار می‌آورند.

مبانی اخلاق؛ آموزه‌ها و باورهای اخلاقی ثابت و غیر قابل خدشه در اسلام است که از آغاز ظهور اسلام تا قیامت، به مثابه شالوده و بنیان این دین وجود دارد و ایفای نقش می‌کند. اصول اخلاقی، شیوه‌های قابل عمل و اجرا در هر دوره‌ای است که ریشه در مبانی اخلاقی اسلام دارد و در عین حفظ جوهره عمل، می‌تواند به تناسب شرایط زمانی و مکانی به اشکال مختلف تحقق و تجلی یابد. بنابر این مبانی اخلاقی بیشتر معطوف به بنیان‌های

نظری و باورها و اعتقادات است و اصول اخلاقی بیشتر معطوف به عمل و اجراست و در شکل و قالب تابع شرایط زمانی می‌باشد و ریشه درمبانی دارد؛

اخلاق اسلامی اخلاق دینی است و همه ویژگی‌ها و امتیازات یک نظام اخلاقی دینی را داراست مانند :

۱- هر نظام اخلاقی دینی متکی بر وحی است و این ویژگی باعث می‌شود راهنمایی‌های اخلاقی آن مصون از خطا باشد. احکام اخلاقی را درحقیقت بیان کننده راه‌های تحقق کمال انسان می‌دانیم یعنی هر دستور یا رهنمود اخلاقی در واقع بیان می‌کند که اگر فلان فعل را انجام دهیم به کمال وجودی خود نزدیک‌تر می‌شویم و اگر فلان عمل را ترک کنیم از دوری نسبت به کمال خویش مصون می‌مانیم بنابر این هر امر یا ناهی که حکمی اخلاقی صادر می‌کند زمانی می‌تواند حکمی درست صادر کند که ماهیت انسان و ضعف‌ها و قوت‌های او را به خوبی بشناسد و بداند که کمال حقیقی انسان چیست و از چه راه‌هایی می‌توان این کمال را محقق ساخت.

با توجه به این دیدگاه اگر امر و ناهی احکام اخلاقی خداوند عالم مطلق باشد خدایی که آفریننده انسان است و همه ابعاد وجود او و چگونگی رابطه او با همه هستی را می‌شناسد اطمینان خواهیم داشت که عمل به دستورات او ثمربخش و محقق کننده کمال انسان است، درحالی که اگر حکم اخلاقی از سوی موجودی محدود صادر شود، چنین اطمینانی نخواهیم داشت.

۲- پیروی از هر حکم اخلاقی نیازمند انگیزه است. انسان‌ها در صورتی برای انجام عملی برانگیخته می‌شوند که به طریقی بر درستی آن واقف شوند. راه وقوف بر درستی احکام اخلاقی، یا وجدان اخلاقی انسان‌ها است و یا توصیه‌ای که از سوی توصیه کننده‌ای آگاه و دلسوز صادر شود. احکام اخلاقی دینی، از منبع وحی صادر می‌شود و هیچ تردیدی در خصوص آگاهی و خیرخواهی خداوند در دل مومنان وجود ندارد؛ در نتیجه انگیزه و اطمینانی قوی در پیروی از آن احکام در جان مومنان پدید می‌آید.

۳- اخلاق دینی ضامن اجرایی قوی درونی و همیشگی دارد؛ انسان مومن با اعتقاد به وجود خداوند و باور به معاد تعهد بیشتری با اجرای احکام اخلاقی پیدا می‌کند.

۴- اخلاق دینی از طریق جهان بینی دینی در حال انسان مومن تحکیم می شود. در جهان بینی دینی همه عالم هدفدار آفریده شده است و به سوی غایتی حکیمانه در حرکت است و انسان مومن با انجام وظایف اخلاقی خویش خود را با نظام هستی هماهنگ می کند و به سوی سرانجامی خوشایند و مطمئن رهسپار می شود. او انجام تکالیف اخلاقی را بیهوده و مخالف با مقتضای طبیعت و سرنوشت خود نمی شمارد، بلکه اطمینان دارد هر دشواری که در طریق التزام اخلاقی برای او پیش آید مقدمه راحتی مهم تری است که گاه خود از آن بی خبر است.

البته باید گفت اسلام افزون بر داشتن همه این امتیازات برجستگی های زیر را نیز دارا است:

الف- اخلاق اسلامی همه عرصه های حیات را دربرمی گیرد. برخی از ادیان جهان نظام اخلاقی خود را به تنظیم بخشی از روابط انسان محدود کرده اند. این ویژگی تکلیف اخلاقی افراد را در عرصه های دیگر نامعلوم می گذارد. در حالی که اسلام به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسان را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود می گیرد.

ب- تکالیف اخلاقی اسلامی قابل اجرا است و از سختگیری های طاقوت فرسا بدور است.

ج- منابع اخلاقی اسلامی غنی و گسترده است. قرآن سرچشمه زاینده معارف اخلاقی است و جوامع روایی و سیره عملی زندگی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت تفسیر گویایی بر آیات نورانی قرآن هستند که شرایط و چگونگی تطبیق معارف کلی اخلاق اسلام بر موقعیت های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را آموزش می دهند.

د- یکی از ویژگی های نظام اخلاق اسلامی، قابلیت تطبیق آن با شرایط زمانی و مکانی مختلف است. این ویژگی از برجسته ترین جنبه های اخلاق اسلامی است زیرا هر نظام اخلاقی در صورتی پاینده و برقرار می ماند که به نیازهای اخلاقی انسان بهتر پاسخ دهد. این نیازها در عین ثباتی که در همه زمان ها و مکان ها دارند همراه با شرایط و ویژگی های هر عصر و هر مکان مصادیق و مظاهر گوناگونی می یابند.

اخلاق اسلامی به جهت آنکه معطوف به نیازهای اخلاقی انسانی است جنبه ثابت و

پاینده‌ای را درخود دارد و چون در طی زمانی طولانی توسط معصومین با شرایط متفاوت اجتماعی و تاریخی تطبیق داده شده است وجه انعطاف پذیر ظواهر و مظاهر آن نیز شناسایی شده است بنابراین بی آنکه به ورطه نسبیت مبتلا شود می‌تواند پاسخگوی انسان در همه زمان‌ها و جوامع باشد.

ه - در فرهنگ اسلامی وجود امامان معصوم بعنوان نمونه‌های عینی و حقیقی انسان مسلمان تجسم واقعی اسلامی است. وجود چنین اسوه‌هایی که در بدترین شرایط تاریخی بر تعهدات اخلاقی خویش پایداری کرده‌اند امکان پذیر بودن عمل به دستورات اخلاقی اسلام را اثبات می‌کند.

ی - یکی از ویژگی‌های اخلاق اسلامی این است که مسیر رشد اخلاقی را بر همه انسان‌ها بطور مساوی گشوده می‌داند. (رک فتحعلی خان، ۱۳۷۹: ۱)

یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبر اسلام (ص) تکمیل و تممیم مکارم و ارزش‌های والای اخلاقی است که رسول اکرم (ص) خود بدان تصریح فرموده است. رسول اکرم (ص) در تمام عمر خود حداکثر تلاش خود را برای احیاء و اقامه ارزش‌های اخلاقی بکار بست و در هیچ شرایطی از آنها غفلت نورزید. تمام اقدامات و عملکرد حضرت رسول (ص) برای پیشبرد امور مسلمانان در چارچوب همین هدف والا یعنی رشد مکارم اخلاقی قابل مشاهده است.

عمل به دستورات اخلاقی اسلام همانند دستورات فقهی و احکام، واجب است. یکی از دلایل ضرورت عمل به دستورات اخلاقی اسلام بخصوص در حوزه سیاست این است که پایبندی و عمل به ارزش‌های اخلاقی و تجلی آنها در جامعه، خود بخشی و مرتبه‌ای از هدف اسلام است. در حالی که قدرت و حکومت ابزار است و ابزار را می‌توان فدای هدف کرد اما عکس آن ممکن نیست. خداوند تعالی یکی از وظایف رسول گرامی اسلام را تزکیه مردم تعیین کرده است. تزکیه مردم، تربیت و رشد دادن آنان است. به گونه‌ای که اخلاق فاضله و اعمال صالحه برایشان ملکه و عادت شود، تا در انسانیت خود به کمال برسند و در دنیا و آخرت سعادت‌مند گردند. (ذاکریان ۱۳۹۰، ۴۷۱-۴۷۰)

هیچ مسلمان و حکومت اسلامی مجاز نیست به ذمائم اخلاقی روی آورد و یا به تخریب

مکارم اخلاقی بپردازد یا به فریب و نیرنگ متوسل شود. در صورت ناسالم و غیر اخلاقی بودن فضا و شرایط می‌تواند وارد امور سیاسی نشود. ولی اگر وارد امور سیاسی شد، اسلام به او اجازه نمی‌دهد غیر اخلاقی عمل کند. اقدام نکردن در خلاف جهت هدف، یک اصل عقلی و انسانی است و عکس آن عمل کردن ذاتاً و عقلاً قبیح است. اخلاق و اقامه ارزش‌های اخلاقی یکی از اهداف نزول اسلام و بعثت رسول اکرم (ص) است، در هیچ دوره‌ای و تحت هیچ شرایط هم نمی‌توان خدشه‌ای به این هدف وارد کرد. (ذاکریان ۱۳۹۰، ۴۷۲)

اسلام و رفتار انسانی در جنگ

اسلام دین صلح و آرامش است و همواره به رفتار درست با انسان‌ها توجه داشته است. آیات و روایات نشان دهنده‌ی این مطلب است که مکتب اسلام توجه به صلح را سرلوحه خود قرار داده است.

« و لا تدفعن صلحاً دعاک إلیه عدوک لله فیه رضی » (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

(اگر دشمنت تو را به صلح فراخواند از آن روی برمتاب که خشنودی خدا در آن نهفته است). همانطور که در فصل‌های گذشته مطرح شد، اسلام جنگ را با شرایطی خاص و فقط در راه رضای خدا می‌پذیرد و کاربرد ابزارهای جنگی را که موجب ایجاد رنج و آسیب‌های غیر ضروری می‌شوند را ممنوع کرده است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

« وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ » (بقره، ۱۹۰)

(در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، ولی از اندازه در نگذرید، زیرا

خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.)

محمد حمید الله در کتاب سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، اعمال ممنوع در جنگ را اینگونه بیان می‌کند:

۱. توسل به روش‌های بی‌رحمانه و مزورانه کشتار. پیامبر اسلام (ص) در این باره فرمود: خداوند در هر مورد رحم را توصیه می‌فرماید. پس اگر لزوماً می‌کشید به شکل منصفانه بکشید.
۲. کشتن افراد غیر مباشر در جنگ. فقط کسانی مباشر در جنگ هستند که توان جسمی برای جنگیدن داشته باشند (المقاتل من له بنیه للقتال)؛ اما زنان، کودکان، خادمان و

بردگانی که همراه اربابان خود هستند و هنوز بطور عملی وارد جنگ نشده‌اند؛ نابینایان، راهبان، زاهدان، سالخوردگان، کسانی که توان جنگیدن ندارند. دیوانگان و مجانین مقاتل محسوب نیستند.

۳. گردن زدن اسرای جنگی

۴. قطع عضو افراد بشر و حیوانات

۵. خیانت و پیمان شکنی

۶. انهدام و تخریب کشت و کار و قطع درختان در مواقع غیر ضرور

۷. کشتن حیوانات بیش از آنچه برای ارتزاق لازم است

۸. تجاوز و شرارت

۹. بی‌عفتی و زنا حتی با زنان اسیر. فردی که به یک زن آزاد تجاوز کند، برحسب اینکه متأهل یا مجرد باشد باید سنگسار گردد یا تازیانه زده شود؛ اما اگر آن زن اسیر باشد؛ مرد متجاوز باید تعزیر شود و به مقدار مهرالمثل جریمه گردد که وجه آن جزء غنایم عمومی جنگی محسوب خواهد شد.

۱۰. کشتن گروگان‌های دشمن، حتی اگر افراد کشور اسلامی توسط دشمنان کشته شده باشند یا اینکه طبق موافق نامه‌ای صریح، این امر مجاز باشد.

۱۱. بریدن سردشمن و فرستادن آن برای مقامات عالی حکومت اسلامی، نادرست و مکروه محسوب می‌گردد و خلیفه اول در منع این عمل فرمان‌های عدیده‌ای صادر کرده است.

۱۲. در زمان پیامبر (ص) نمی‌توان نمونه‌ای را یافت که پس از غلبه بر دشمن یا تصرف یک منطقه به طریقی دیگر، قتل عام مجاز اعلام شده باشد. فتح مکه مثال بسیار خوبی برای این مدعاست. پس از آن همه شکنجه‌ها و خساراتی که بوسیله مکیان بر مسلمانان وارد شد، هنگامیکه پیامبر (ص) مکه را فتح و اعلام عفو عمومی کرد فقط ۶ نفر مشخص را که یاغی شده بودند، استثنا کرد که باید هر جا دیده شدند به قتل برسند. این افراد سران مجرمی بودند که مرتکب قتل، ارتداد و گناهان مشابه شده بودند. البته آن‌ها هم بعدها بخشوده شدن، مگر سه نفرشان که سربازان اسلام، آنان را بدون کسب اجازه مجدد از رسول خدا (ص) به قتل رساندند.

۱۳. کشتن والدین بجزء در حالت دفاع صرف، حتی اگر غیر مسلم و در زمره دشمنان باشند. در چندین مورد پیامبر (ص) به افرادی که از ایشان می‌خواستند به آنان اجازه دهد والدینشان را به دلیل مخالفت با اسلام بکشند، اجازه چنین کاری را نداد.
۱۴. کشتن دهقانان، هنگامی که نمی‌جنگند و نتیجه جنگ برای آنان تفاوتی ندارد.
۱۵. تعرض به کسبه، بازرگانان و خدمه و امثال آنان تا زمانیکه در جنگ فعال نیستند.
۱۶. سوزاندن افراد یا حیوانات اسیر شده به قصد کشتن. در یک مورد پیامبر (ص) گروهی را اعزام و مأمور کرد که مجرمی را توقیف کنند و او را زنده بسوزانند، اما بی‌درنگ آنها را فراخواند و دستور داد او را فقط بکشند؛ زیرا فقط صاحب و مالک آتش (خداوند) می‌تواند با آتش مجازات کند.
۱۷. به نظر می‌رسد که در دوران صدر اسلام، پناه گرفتن در پشت اسرای دشمن در میان غیر مسلمانان روش شایعی بوده است. من حتی یک مورد نیز نیافتم که مسلمانان هنگامیکه اسرای خود را برای جنگیدن علیه ملت خویش مجبور می‌ساختند، به این عمل بزدلانه دست زده باشند.
۱۸. خلیل، فقیه مالکی، به صراحت می‌گوید: استفاده از پیکان‌های زهرآلود حرام است؛ اما فقهای حنفی، این امر را مجاز دانسته‌اند. به عقیده شیبانی، پزشک مسلمان، هنگامیکه به اسارت دشمن در می‌آید - و البته با کسی که صلح جویانه و با حسن نیت به سرزمین دشمن می‌رود، تفاوت دارد - مجاز است جنگجویان دشمن را مسموم کند، اما درباره زنان و کودکان دشمن چنین اجازه‌ای ندارد.
۱۹. ارتکاب اعمال ممنوع که به موجب پیمان ممنوعند. موارد جعلی بسیاری از اعمال منع شده توسط شیبانی احصاء شده است که نشان می‌دهد در آن روزگار در مورد توافق بر اینکه در زمان جنگ باید از ارتکاب چه اعمالی در مورد اسرا اجتناب کرد و چه نوع تخریب، قطع منبع آب و نظیر آنها نباید صورت گیرد، روشی مشترک وجود داشته است. (حمیداله، ۱۳۸۰، ۲۳۵-۲۳۲)
- «وَإِنْ عَقِدْتَ بِنِيكَ وَبَيْنَ عَدُوِّ لَكَ عَقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحَطَّ عَهْدُكَ بِالْوَهَاءِ وَارِعْ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)
- (اگر میان خود و دشمنت پیمان دوستی بستی و امانش دادی به عهد خویش وفا کن و امانی را که داده‌ای نیک رعایت نمای.)

«إذا قدرت علی عدوِّک فاجعل العفو عنه شکرًا للقدرة علیه» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰)
(چون بر دشمن ظفر یافتی، عفو و گذشت را شکرانه پیروزی قرار ده.)

شاید این سؤال مطرح شود که مگر در آن زمان سلاح‌های شیمیایی و میکروبی وجود داشت که این برداشت حاصل شد؟ پاسخ این است که اگرچه در آن زمان سلاح‌هایی این چنین وجود نداشت و سلاح‌هایی که در آن زمان بکار می‌رفت، واجد شرایط و خصوصیتی نبوده که بتوان آنرا سلاح کشتار جمعی تلقی کرد اما در راستای قاعده کلی اسلامی که به موجب آنها افراط در کشتار، حتی اگر موجه هم باشد منع شده است. (محقق داماد ۱۳۸۳، ۸۵) می‌توان گفت چون این سلاح‌ها موجب آزار و رنجش و صدمه زیاد می‌شود، با اصل اسلام ناسازگار است و ممنوع می‌باشد.

«إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ» (فجر، ۱۴)

(قطعاً پروردگار تو در کمین طغیان گران است و آنان را سزا خواهد داد.)

روایتی از امام محمد باقر (ع) با تعبیری مطلق آمده است: پیامبر (ص) از ریختن سم در بلاد مشرکین نهی فرمود. باتوجه به فصل دوم و پیشینه استفاده از سلاح‌های مسموم کننده و یا به عبارتی کشتار جمعی می‌توان فهمید که در آن روزگار انجام این امور کاری معمول بوده است ولی پیامبر اسلام (ص) از چنین کارهایی نهی فرمودند. صاحب جواهر الکلام می‌نویسد از سخن امام باقر (ع) میتوان چنین برداشت نمود که چون استفاده از سم موجب کشته شدن کودکان، زنان، پیران، مسلمانان و کسانی که کشتن آن‌ها جایز نیست می‌گردد. در نتیجه این حدیث بطور مطلق استفاده از سم را منع می‌کند.

عدم اشاره به سلاح‌های کشتار جمعی که امروزه وجود دارند به منزله مشروعیت آن سلاح‌ها نیست، بلکه در منابع اولیه حقوق اسلام تنها آن دسته از سلاح‌هایی ممنوع شدند که در آن برهه زمانی وجود داشتند و لذا اصل اسلام و عدم تجاوز به انسان‌ها و کرامت انسانی و حق حیات نشان دهنده‌ی این مطلب است که اسلام هیچگاه آسیب و ضرر بی‌مورد به انسان‌ها را مورد حمایت قرار نداده است. آیت الله محقق داماد در کتاب حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛ رهیافت اسلامی اینگونه نوشته‌اند: چه با کسی از اینکه در اسلام در هنگامه جنگ که ستاندن جان کسی جایز شمرده می‌شود، رعایت تقوا امر خیر تلقی شده،

در شگفت شود. زیرا هر جا که جواز باشد، قاعدتاً نباید محدودیت و منع وجود داشته باشد. اما سخن از جنگی است بر اساس تقوا در قبال جرم و گناه و تجاوز و لذا بدیهی است در جنگی که در دفاع از تقوا برپا شده است، اگر در میدان نبرد به منظور همسانی با دشمن، به طریقی عمل شود که اصول تقوا زیر پا گذاشته شود، غیر منطقی خواهد بود. جنگ اسلامی بر اساس تقوا است و همواره با محدودیت‌هایی همراه است و حتی اگر دشمن متجاوز موازین تقوا را رعایت نکند مسلمانان هرگز از حدود آن پا فراتر نخواهند گذارد. (محقق داماد ۱۳۸۳، ۱۰۳) سیره جنگ‌های پیامبر خود نشان دهنده‌ی رعایت حدود بود. در دوران جاهلیت و در زمان جنگ مرسوم بود که اجساد مثله شدگان را مثله می‌کردند. اما پیامبر (ص) زمانیکه مشرکان عمویش (حمزه بن عبدالمطلب) را در جنگ احد کشتند و مثله کردند، فرمود: حتی یک سگ را هم مثله نکنید.

پیامبر اکرم (ص) در پایان یکی از جنگ‌ها دیدند عده‌ای اجتماع کرده‌اند، شخصی را برای بررسی علت فرستادند. شخص گزارش داد علت تجمع، کشته شدن زنی بوده است. آن حضرت در مقام توبیخ فرمودند: «قطعاً آن زن در حال جنگ نبوده است.»

در واقعه‌ای دیگر چون پاره‌ای مسلمانان به پیروی از دشمنان خود تعدادی کودک را به قتل رساندند، پیامبر (ص) به خشم درآمده فرمودند: «چرا امروز عده‌ای آنقدر ستیزه جو هستند که به قتل کودکان دست می‌زنند.» (محقق داماد ۱۳۸۳، ۱۶۸)

در بین فقهای معاصر نیز در دو مساله اجماع وجود دارد: اول آنکه جهاد و جنگ غیر تدافعی بر کودکان و زنان واجب نیست. (تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان). دوم آنکه زنان و کودکان سپاه دشمن نیز نباید کشته شوند و در صورت حالت تخصیصی آنها کشتن ایشان تنها با قید ضرورت جایز می‌باشد. حمایت‌هایی از قبیل جاسازی زنان از مردان هنگام اسارت و یا بازداشت، ممنوعیت از فحش‌های اجباری، حمایت از زنان باردار و مواری از این قبیل از مسلمات فقه اسلامی بوده و به خاص به آن در کتب باب جهاد اشاره نشده است بلکه همانطور که قبلاً گفته شد این حمایت‌ها عمومی و مطلق بوده و مخصوص حالت جنگ و مخاسمات نیست. البته این نکته نیز نباید فراموش شود که در فقه امامیه در حالتی که جهاد دفاعی باشد و به سرزمین‌های اسلامی حمله صورت گیرد، جهاد بر همه و از جمله زنان واجب است.

سفارش به امیران

از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: وقتی پیامبر (ص) مرا به یمن فرستاد، فرمود: با هیچ کس جنگ نکن، مگر آنکه پیش از آن او را به اسلام دعوت کنی، به خدا قسم اگر خدا یک نفر را بوسیله تو هدایت کند برای تو با ارزش‌تر از آن چیزی است که آفتاب بر آن طلوع و غروب می‌کند.

پیامبر هرگاه امیری را به سرکردگی گروه یا دسته‌ای منصوب می‌ساخت، او و همراهانش را به تقوای الهی سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «به نام خدا و در راه او بجنگید، با آنانکه به خدا کفر می‌ورزند بجنگید. بجنگید ولی خدعه و نیرنگ نکنید، خیانت نورزید، کسی را مثله نکنید، صغار را نکشید.» (حمیداله ۱۳۸۰، ۳۴۷)

پیامبر (ص) به عبدالرحمن عوف فرمود: «ای پسر عوف، پرچم را بگیر و همیشه در راه خدا بجنگ و با آنانکه به او نگروده‌اند نبرد کن، ولی هرگز عهد نشکن و خیانت نکن، هیچ کس را مثله نکن و هرگز کودک یا زنی را نکش. این عهد خداوند و دستور پیامبرش برای هدایت شماست.» (حمیداله ۱۳۸۰، ۳۴۸)

حضرت علی (ع) به سپاهیان خویش پیش از دیدار دشمن در صفین دستوراتی داد: «اگر به خواست خدا دشمنان شکست خوردند و گریختند، هیچ فردی در حال فرار را نکشید و کسی را که توان دفاع از خود را ندارد آسیب مرسانید. شرمگاه هیچ کس را عربان و عیان مسازید. جان هیچ مجروحی را نستانید، هیچ زنی را آزار ندهید، هرچند آبروی شما را بریزد و یا امیرانتان را دشنام گوید...» (قربان نیا ۱۳۸۷، ۲۰۰)

«ایاک والدماء وسفکها بغیر حلها» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) (پرهیز از خون‌ها و خونریزی‌های به ناحق)

ابوبکر به أسامه هنگامی که عازم جنگ فلسطین بود گفت: «غارت نکنید؛ نیرنگ نزنید؛ عهد نشکنید؛ مثله نکنید؛ بچه‌های کوچک، زنان و مردان پیر و سالمندان را نکشید؛ درختان خرما را قطع نکنید و آن‌ها را نسوزانید؛ درختان میوه را قطع نکنید؛ بز و گاو و شتر را جزء برای غذا سر نبرید. ممکن است شما از کنار مردمی که در دیرها عزلت گزیده‌اند عبور کنید، آن‌ها را و دیرهایشان را واگذارید. نیز ممکن است به مردمی برخورد کنید که برایتان غذاهای گوناگون می‌آورند. پس هر غذا که می‌خورید نام خدا را بر زبان جاری کنید. شما با مردمی

برخورد خواهید کرد که آرایش موهایشان چنان است که چیزی مانند دستار بر سر دارند گویی که شیطان در آن لانه کرده است؛ پس با شمشیر آنها را از هم بدرید. با نام خدا گام بردارید، باشد که خداوند پاداش رنج و سختی را به شما عطا فرماید.» (حمیداله ۱۳۸۰، ۳۴۹)

آیت الله محقق داماد معتقد است، برخی قواعد و اصول کلی نظام حقوقی اسلام، به آسانی می‌تواند حکم شرعی ممنوعیت کاربرد تسلیحات کشتار جمعی را تبیین کند. اصول مزبور به شرح زیر است:

۱- اصل منع اعتداء

یکی از اصول بنیادی و اساسی در حقوق جنگ اسلامی عبارت است از «اصل منع اعتداء». این اصل از آیه زیر به دست می‌آید: «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ : در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و از اندازه درنگذیرید؛ زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.» (بقره، ۱۹۰)

به موجب آیه شریفه فوق تنها با کسانی قتال و جنگ مجاز است که به جنگ مسلمانان بیایند. عکس نقیض منطقی این آیه آن است که جنگ با کسانی که به جنگ مبادرت نکنند، ممنوع و از مصادیق اعتداء یعنی تجاوز است و تجاوز مبعوض خداست؛ بنابراین تنها جنگ با سربازان مجاز است و جنگ با شهروندان ممنوع می‌باشد. جای تردید نیست که به کارگیری سلاحهای کشتار جمعی موجب هلاکت افراد غیر نظامی است و به موجب این اصل، تجاوز محسوب و ممنوع است.

۲- اصل ممنوعیت افساد در زمین

از جمله اصول و معیارهای حقوق بشردوستانه اسلامی که در همه وضعیت‌های زندگی بشر به ویژه در وضعیت خشونت‌بار جنگ حاکم است، اجتناب از افساد در زمین می‌باشد که به طور مکرر در آیات مختلف قرآن کریم و در سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام مورد نهی قرار گرفته است؛ به طوری که در قرآن کریم از تخریب محیط زیست و نابودی نسل بشر و حیوانات به عنوان شاخص‌ترین مصادیق افساد در زمین یاد گردیده و مرتکبان

آنها نیز در صف مفسدین فی الارض قرار گرفته‌اند. برای نمونه به آیات زیر توجه فرمایید :

الف) «و إذا تولى سعى فى الأرض لىفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد: چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت، زراعتها، چهارپایان و نسل را نابود سازد، و خداوند فساد را دوست نمی‌دارد.» (بقره، ۲۰۵)

در جهت نزول آیه شریفه نقل شده است: در مدینه شخصی به نام اخنس بن شریق ثقفی نزد پیغمبر اکرم (ص) آمد و اظهار اسلام نمود، پیغمبر (ص) از عمل او تعجب کرد. او گفت: «من چون اسلام را دوست دارم، اینجا آمده‌ام و خدا داناست که راست می‌گویم.» خدای متعال در این باره فرمود: «و يُشهدُ الله على ما فى قلبه...» (بقره، ۲۰۴)، او از خدمت رسول‌الله (ص) بیرون آمد. پس به کشت و زرع و شترانی که متعلق به مسلمانان بود، رسید. آنها را آتش زد و شتران را هم پی کرد. خداوند تعالی این آیه را در باره او نازل کرد.

در آیه فوق آتش زدن به بخشی از کشتزارها و پی کردن چند شتر مصداقی از تلاش در جهت ایجاد فساد و تباهی در زمین قرار گرفته؛ بنا بر این به طریق اولی به کارگیری تسلیحاتی که منجر به کشتار گسترده افرادی گناه و تخریب محیط زیست در حد وسیع می‌گردد، از مصادیق بارز سعی بر افساد در زمین خواهد بود؛ چرا که آیه مبارکه دارای اطلاق است و می‌تواند هم شامل وضعیت جنگی شود و هم غیر جنگی.

ب) و لا تُفسدوا فى الأرض بعد إصلاحها و ادعوه خوفاً و طمعاً إن رحمت الله قريبٌ من الْمُحْسِنِينَ: در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

ج) و لا تبغ الفساد فى الأرض إن الله لا يحبُّ المفسدين: در زمین از پی فساد مرو که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد.» (قصص، ۷۷)

بدون تردید قدرت تخریبی و گستره کشتار تسلیحات کشتار جمعی، آن چنان وسیع و فزاینده است که با هیچ سلاح متعارفی قابل مقایسه نیست. در جنگهای اسلامی نیز از سوی خلفا به عدم قطع درختان و عدم کشتن حیوانات توصیه می‌شد. حسب نقل سیر الکبیر شیبانی، خلیفه اول وقتی یزید بن ابی سفیان را به ریاست ارتش شام منصوب و گسیل داشت، دستوری مکتوب برایش صادر نمود. این دستور مشتمل بر ده ماده است که بعضی

از آنها به شرح زیر است:

- هیچ درخت میوه‌ای را قطع مکن؛ هیچ درخت خرمایی را قطع مکن؛ هیچ درخت انگوری را قطع مکن.

- گاوها و گوسفندان را ذبح مکن و سایر چهارپایان را نیز مگر برای مصرف.

مذهب حنبلی نیز بر همین نظر است. در این مذهب آب بستن و غرق ساختن درختان خرمای دشمن و قطع پای حیوانات آنان و کشتن آنها ممنوع است مگر برای خوردن. ۷. برخی از فقهای حنفی از جمله اوزاعی از این نظر پیروی کرده‌اند. وی می‌گوید: «لایحل للمسلمین ان یفعلوا شیئا مما یرجع الی التخریب فی دار الحرب لان ذالک فساد، والله لا یحب الفساد: مسلمانان مجاز نیستند هیچ عمل تخریبی را انجام دهند؛ زیرا این گونه اعمال از مصادیق فساد است و خداوند فساد را دوست ندارد.»

فقهای امامیه با اصل زشتی این اعمال موافقت و صاحب جواهر می‌گوید: «مکروه است قطع درختان و انداختن آتش و مسلط کردن آب، مگر در صورت ضرورت. در خبر جمیل و محمد بن حمران از امام صادق (ع) آمده است: هر گاه پیامبر (ص) لشکری را اعزام می‌نمود، فرمانده را کنار خود می‌خواند و اصحاب را روبروی خود می‌نشاند، آنگاه می‌فرمود: به نام خدا و با استعانت از خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا حرکت کنید. نیرنگ مزیند، زیاده‌روی مکنید، مثله مکنید و درختی را قطع مکنید، مگر اینکه مضطر شوید؛ پیران و بیچه‌ها و زنان را مکشید.»

به نظر ما نظریه ممنوعیت با روح اسلامی منطبق است و عمل حضرت رسول الله (ص) نیز مؤید آن است. موارد خاصی نظیر دستور سوزاندن درختان خرمای بنی‌النضیر واقعه خاصی بوده و واقیت امر برای ما معلوم نیست. همان‌طور که ابن رشد مالکی می‌گوید، ابوبکر که خود ناظر جریان بوده، دستور منع این گونه اعمال را داده است.

روایات وارده از طرق امامیه مورد قبول و فتوای فقیهان است؛ ولی حمل بر کراهت کرده‌اند. به نظر ما به ضمیمه اصول کلی اخلاق اسلامی دال بر حرمت می‌باشد نه کراهت. یکی از فقهای معاصر (صاحب کتاب «البیئه») در بحثی تحت عنوان «إهلاک الحرث و النسل» بعد از ذکر این نکته که نابود کردن حرث و نسل از بزرگترین محرمات است،

استفاده از سلاحهای میکروبی، شیمیایی، نیتروژنی و هسته‌ای را از بارزترین عواملی که در زمین موجب فساد و افساد می‌شوند، دانسته و گفته است این عمل از بزرگترین گناهان است. تتبع دراستعمالات این واژه روشن می‌سازد که همه در یک معنای جامع و کلی اشتراک دارند که آن عبارت است از: خروج از حالت اعتدال و صحت.

۳- اصل ممنوعیت اسراف و تبذیر

در قرآن و روایات، اسراف و تبذیر مفاهیمی همچون خروج از حد اعتدال، افساد، تباهی، تعدی، افراط، برتری‌جویی، طغیان، سفک دماء، معصیت و... دارند. کشف این روابط می‌تواند ما را در درک و تبیین مفهوم و مصادیق اسراف و تبذیر و استناد به آنها در تبیین ممنوعیت کاربرد تسلیحات کشتار جمعی، یاری برساند.

احترام خون انسانهای بی‌گناه از مسائلی است که نه فقط در اسلام، بلکه در همه شرایع آسمانی و قوانین بشری مورد تأکید قرار گرفته است. از دیدگاه اسلام، ریختن خون انسان بی‌گناه، از بزرگترین گناهان بوده و چنین جرمی «اسراف در قتل» و خارج شدن از حدود الهی است؛ لذا قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا: نفسی را که خداوند حرام نموده، جز به حق (مانند موارد قصاص و حدود شرعی) مکشید. و کسی که مظلوم کشته شود، ما حتماً برای ولی او تسلطی قرار داده‌ایم [که می‌تواند قصاص کند یا دیه بگیرد یا عفو کند]، پس نباید در کشتن زیاده‌روی کند (شکنجه و مثله کند یا بیش از یک نفر را بکشد)؛ زیرا که او (به وسیله تشریح این حکم) یاری شده است (و شخص قصاص‌شده نیز در مقدار بیش از محکومیت، مورد یاری ما قرار دارد). (اسراء، ۳۳)

شیخ طوسی (ره) روایتی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که حضرت، مسرفان را کسانی می‌داند که حرامها را حلال شمرده و خونها را می‌ریزند: «المسرفون هم الذین يستحلون المحارم، و یسفکون الدماء». البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که احترام به خون انسانها در اسلام مخصوص مسلمانها نیست، بلکه غیر مسلمانانی که با مسلمین سر جنگ ندارند و در وضعیتی مسالمت‌آمیز با آنها به سر می‌برند، جان و مال و ناموسشان محفوظ است و تجاوز به آن حرام و ممنوع می‌باشد. در سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «من أجل

ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل اَنَّهُ من قتل نفساً بغير نفسٍ أو فساداً فی الأرض فکأنما قتل النَّاس جمیعاً...:۱۵ به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آوردند؛ اما بسیاری از آنها پس از آن در روی زمین، تعدی و اسراف کردند.»

شیرازی از فقیهان معاصر یکی از مصادیق اسراف را به کارگیری سلاحهای کشتار جمعی دانسته است.

۴- لزوم رعایت تفکیک در حملات مسلحانه

بر اساس دستور صریح قرآن مجید که مستند اصل منع تجاوز قرار گرفت تنها با کسانی جنگ جایز است که به جنگ با مسلمانان آمده‌اند، و تعدی از این دستور تجاوز و گناه محسوب است «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا إن الله لا یحبُّ الْمُعتدین». (بقره، ۱۹۰)

فقه‌های اسلام به استناد آیه فوق با در قرآن کریم و سیره معصومین (ع) لزوم رعایت اصل تفکیک را نه با عنوان خاص، بلکه در ضمن ترسیم مصادیق محدودیتها و ممنوعیتهای حاکم بر مخاصمات مسلحانه مورد تأکید قرار داده‌اند. قلمرو تفکیک عبارت است از:

۱- تفکیک میان غیر نظامیان (غیر مقاتلین) و رزمندگان (مقاتلین)،

۲- تفکیک میان اهداف غیر نظامی (اموال غیر نظامی) و اهداف نظامی

شیخ طوسی (ره)، محقق حلی و عموم فقیهان پس از ایشان می‌نویسند: «قتال با زنان جایز نیست. حتی اگر زنان با مسلمانان اقدام به قتال نمودند و به همسران و مردانشان یاری رساندند. تا آنجا که ممکن است - باید از کشتن آنان اجتناب شود.» محقق حلی نیز در مصونیت برخی گروههای انسانی می‌نویسد: «قتل دیوانگان، کودکان و زنان کفار جایز نیست هرچند دشمنان را یاری رسانند.»

در سیره پیامبر اکرم (ص) در فتح مکه نقل شده است که: «به همه لشکرش دستور داد

که هرگز کسی که با آنان نمی‌جنگد نکشند»، و بنا بر قول ابی‌الوداک، امیرالمؤمنین علی(ع) در هنگام ارسال لشکر برای جنگ صفین، خطاب به فرماندهی لشکر، معقل بن قیس الریاحی فرمودند: «لا تُقاتل إلا من قاتلك: جز با آن که با تو می‌جنگد، مجنگ!» آنچه از دیدگاه فقها و ادله مورد استناد آنان استنباط می‌شود، این است که در جریان جنگ تنها کسانی باید مورد هدف قرار گیرند که نیروی جنگی دشمن محسوب می‌شوند نه غیر آنها. ضرورت تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان را در مورد استفاده از سم علیه دشمن نیز به خوبی می‌توان ملاحظه نمود. به طوری که اکثر فقها بر اساس روایت از امام صادق(ع) از علی(ع) که فرمودند: «نهی رسول الله(ص) أن یلقى السم فی بلاد المشرکین: قائل به حرمت کاربرد سم علیه شهرهای کفرنشین شده‌اند.»

در برخی تواریخ معتبر گفته شده که جمله فوق را رسول الله(ص) در جریان محاصره قلعه خیبر اظهار داشتند. هنگامی که محاصره مدتی طول کشید و به هیچ وجه راه ورود میسر نبود، شخصی از مسلمانان پیشنهاد کرد که راه آب آشامیدنی این قلعه تنها نهر آبی است که از بیرون وارد می‌شود؛ بنابراین بهترین راه برای پیروزی آن است که ما آب نهر را مسموم کنیم تا همه مردم بمیرند و ما به آسانی خواهیم توانست که پیروزمندانه وارد شویم. پیامبر(ص) فرمود به هیچ وجه من اجازه نمی‌دهم چون میان مردم شهر زنان، کودکان، شهروندان پیر و بیمارند که کشتن آنان مجاز نیست. آنگاه به طور کلی به کار بردن سم برای عموم و جمع دشمن را ممنوع ساخت.

محدودیت و ممنوعیت اماکن غیر نظامی را می‌توان هم از ادله عام و هم از ادله خاص استنباط نمود. چون از مصادیق افساد و تعدی از حدود الهی است که در آیه ۱۹۰ سوره بقره اعتداء و معتدین را مورد غضب خداوند متعال معرفی می‌کند. در همان در همین راستا روایات خاصی نیز وارد شده است که از تخریب درختان و مزارع و همچنین نابودی حیوانات نهی نموده‌اند. از جمله در روایت مسعده بن صدقه آمده است: امام صادق(ع) فرمودند: پیامبر اکرم(ص) هنگامی که می‌خواست فرماندهی را عازم سریه‌ای سازد او را به رعایت تقوا توصیه می‌کرد، سپس خطاب به اصحاب خویش می‌فرمود: «اغزوا بسم الله و فی سبیل الله قاتلوا من کفر بالله... و لا تُحرقوا النخل و لا تُغرقوه بالماء و لا تقطعوا شجرة»

مُشْمَرَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعًا... درختان خرما را آتش مزیند و در آب غرق مکنید، درختان میوه را قطع مکنید و گیاهان را آتش مزیند!»

امام علی (ع) در نهج البلاغه فرمود: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادَةِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ: از خدا بترسید و بندگان خدا را اذیت مکنید و شهرها را تباه مکنید، شما همه مسئولید حتی نسبت به ساختمانها و چارپایان.»
لذا به نظر فقها نابود کردن درختان و آتش زدن کشتزارها و از بین بردن حیوانات بدون ضرورت نظامی مجاز نیست.

معابد

در خصوص اماکن عبادی غیر مسلمین آیات زیر در قرآن مجید وجود دارد:

(الف) «و لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...: اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجد و صوامع و بیع و صلوات و مساجد ویران می شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می کند، یاری می دهد؛ چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.» (الحجر، ۴۰) به خوبی روشن است که در این آیه، در مورد مصونیت مساجد و سایر معابد فرقی وجود ندارد. به علاوه آیه دیگری از قرآن با روشی بسیار دوستانه به کشیشان مسیحی اشاره دارد و با احترام از همه ادیان یاد می کند.

(ب) «دشمن‌ترین مردم نسبت به مومنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت و لتجدنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى. ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قَسِّيْسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ: و نزدیکترین دوستان به مومنان را کسانی می یابی که می گویند ما مسیحی هستیم، این به خاطر آن است که در میان آنها کشیشان و تارکان دنیا هستند و آنها در برابر حق تکبر نمی ورزند.»

برخی فقهای اهل سنت به استناد آیات فوق در مورد روحانیان دشمن نیز فتوا به مصونیت از تعرض داده‌اند. آنان به عمل ابوبکر نیز استناد می کنند که در حکم معروف خود به یزیدبن ابی سفیان هنگام انتصابش به عنوان فرمانده لشکر اعزامی، گفت: «شما ممکن

است به مردمی برخوردی که معتقدند باید در دیرها و در حال رهبانیت، خود را وقف راه خدا نمایند... اینان را به خودشان واگذار تا به آنچه به آن اختصاص یافتند، مشغول باشند.» خلیفه به فرمانده لشکر دستور قتل این اشخاص را که مبلغ سایر ادیان هستند، نداد درحالی که می‌توان فرض کرد که این افراد اعمالی خلاف امنیت اسلام مرتکب می‌گشتند، بلکه برعکس دستور داد که آنان از آزار و تعرض مصون باشند؛ زیرا به عبادت مشغولند. اکثر فقها این ممنوعیت بشردوستانه و معنوی را پذیرفته و تأیید کرده‌اند.

مشهور فقیهان امامیه به پیروی از شیخ طوسی میان آنان که توان جنگیدن دارند و آنان که چنین توانی ندارند، تفاوت قائل شده‌اند؛ اما ابن جنید اسکافی بر خلاف مشهور معتقد است مطلقاً روحانیان مصون از تعرضند. مستند ابن جنید عدم ضرر و خطر از ناحیه آنان است و نیز همانندی آنان با سالخورده‌گانی است که مستشار جنگ نمی‌باشند. علامه حلی که خود مؤید نظر شیخ طوسی است، در رد نظریه ابن جنید به عموم ادله تمسک کرده و تساوی آنان را با پیران سالخورده نفی کرده است. به نظر می‌رسد چنانچه روحانیان دشمن هیچ گونه مداخله‌ای در جنگ نداشته باشند، به عموم اصل منع اعتدا نیز برای مصونین آنان می‌توان استدلال نمود.

۵- اعتبار فقهی معاهدات منع تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی

با عنایت به ادله عام از جمله آیه مبارکه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» بر لزوم وفای به عقود و همچنین ادله مشروعیت و اعتبار عقود معهوده از جمله عقد مهاده و لازم‌الوفای بودن آن، مسلمانان در صورت امضای معاهداتی به منظور تحدید یا ممنوع ساختن کاربرد برخی ابزارهای جنگی مانند تسلیحات کشتار جمعی که انعقاد آنها، مصلحت و منافع کشور اسلامی و مسلمانان را تأمین نموده، باید بر پیمان خود استوار و وفادار بمانند.

۶- اصل دولت - ملت در اسلام: بر خلاف مسیحیت، اسلام دین و دولت (سیاست) را از هم جدا نمی‌داند. در حکومت اسلامی حاکم هم در پیشگاه خداوند مسئول است و هم در برابر جامعه. مناسبات دولت - ملت در اسلام بر اساس حقوق و وظایف متقابل استوار

است. اما در تئوکراسی غربی پادشاه بر مردم حق دارد و مردم در برابر پادشاه وظیفه. در اسلام دین و سیاست پیوند محکمی باهم دارند و اسلام در تمام زمینه‌ها برنامه دارد: تعیین حاکم، تعیین سیاست خارجی و داخلی، تبیین حقوق و تکالیف متقابل جامعه و حکومت، تنظیم سازوکار کنترل قدرت و جلوگیری از فساد و ... با توجه به روایات و نص قرآن و نهج البلاغه می‌توان فهمید که اسلام به مسئله دولت - ملت توجه ویژه‌ای دارد. از جمله وظایفی که حاکم اسلامی در قبال مردم داراست، رعایت حقوق و جلوگیری از ظلم است. کشتار جمعی، مصداق بارز این ظلم است و همواره به حاکمان سفارش می‌کند که بر ملت ظلم نکنند. با توجه به این اصل می‌توان دریافت حکومت اسلامی نباید به دنبال دستیابی به اینگونه سلاح‌ها رود.

دیدگاه فقها

در دین مبین اسلام بعد از امامان معصوم، غالب فقها به پیروی از ایشان همواره تاکید بر کرامت انسانی و حرمت جان آدمی داشته‌اند.

امام خمینی (ره) همواره تاکید بر رعایت موازین اسلامی و انسانی می‌کردند، خصوصاً در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. و مبارزین را از حمله به مناطق غیر نظامی نهی می‌نمودند. رهنمودهای اساسی ایشان به رزمندگان و مدافعین کشور در عدم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، پرهیز از حملات هوایی به محدوده‌های غیر نظامی و اماکن دارای مصونیت در جنگ، نشانه‌های برجسته‌ای از مراعات حقوق، حتی در شرایط جنگ و روابط خصمانه است. بگونه‌ای که امام در نامه به رئیس جمهور لیبی عنوان می‌دارد که «سیاست ایران در عدم حمله به مناطق غیر نظامی» می‌باشد.

امام بیان می‌دارد که «حمله به مناطق غیر نظامی هیچ گاه مورد نظر نبوده و نیست و اکنون هم نمی‌خواهیم مناطق غیر نظامی و مردم مورد هجوم قرار گیرند». بنابراین نظرات امام در ارتباط با حقوق بشردوستانه در زمان جنگ منطبق با قواعد حقوق بین‌الملل و خاصه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه می‌باشد.

حضرت امام در ارتباط با خلع سلاح عمومی و صلح و امنیت بین‌المللی نظراتی را مبذول نموده است. بگونه‌ای که می‌فرماید «باید سلاح‌ها را از دست افراد ناشایست باز پس

گیرید چرا که برای صلح و امنیت بین‌المللی مضر می‌باشد» و از سوی دیگر حضرت امام بر ضرورت اقدام جهت حذف سلاح‌های اتمی و کشتار جمعی تاکید می‌نماید و بیان می‌دارد که «کنترل و حذف سلاح‌های مخرب خواسته همه ملت‌ها می‌باشد». بنابراین از نظر مطابقت با قوائد حقوق بین‌الملل، نظرات امام تأکیدی بر مقررات حقوق بین‌المللی در این زمینه می‌باشد. (نوروزی ۱۳۸۸)

پیام آیت الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی به اجلاس بین‌المللی خلع سلاح ۱۳۸۹/۰۱/۲۸ «از زمانی که انفجار نخستین جنگ افزارهای هسته‌ای توسط دولت ایالات متحده در هیروشیما و ناکازاکی فاجعه‌ای انسانی با ابعاد بی سابقه در تاریخ آفرید و امنیت بشری را با تهدیدی عظیم مواجه ساخت، ضرورت نابودی کامل این سلاح‌ها مورد اجماع قاطع جامعه جهانی قرار داشته است. استفاده از سلاح هسته‌ای نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر شد، بلکه میان آحاد ملت، نظامی و غیر نظامی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و کهنسال و خردسال تمایزی قائل نشد و آثار ضد بشری آن مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در نوردید، و حتی به نسل‌های بعدی نیز خسارتهای جبران ناپذیر وارد نمود و لذا هرگونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این سلاح، نقض جدی مسلم‌ترین قواعد بشر دوستانه و مصداق بارز جنایت جنگی قلمداد می‌گردد. به لحاظ نظامی و امنیتی نیز به دنبال دست یابی چند قدرت به این سلاح ضد بشری، تردیدی باقی نماند که پیروزی در جنگ هسته‌ای ناممکن و درگیری در چنین جنگی غیر عقلانی و ضد انسانی است. ولی برغم این بدیهیات اخلاقی، عقلانی، انسانی و حتی نظامی، خواست مؤکد و مکرر جامعه‌ی جهانی برای نابودی این سلاح‌ها توسط گروه انگشت شماری از دولت‌ها، که امنیت خیالی خود را بر ناامنی همگانی بنا کرده‌اند، نادیده گرفته شده است. اصرار این دولت‌ها بر نگهداری، افزایش و گسترش توان تخریبی این سلاح‌ها، که هیچ کاربردی جز ارباب و ترور دسته جمعی و ایجاد امنیت کاذب، مبتنی بر بازدارندگی ناشی از نابودی تضمین شده همگانی نداشته و ندارد، استمرار کابوس هسته‌ای جهان، را به دنبال داشته است. منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیر عقلانی هزینه شده‌اند تا

هر یک از ابرقدرت‌ها توان خیالی پیدا کنند که بیش از ده هزار بار رقیبان خود و سایر ساکنان کره خاکی منجمله خودشان را نابود کنند. بی دلیل نیست که این راهبرد، بازدارندگی مبتنی بر، نابودی تضمین شده متقابل، یا دیوانگی نام گرفته است.

برخی از دولت‌های هسته‌ای در سال‌های اخیر از نظریه‌ی بازدارندگی در مقابل سایر قدرت‌های هسته‌ای بر مبنای، نابودی تضمین شده متقابل هم، فراتر رفته‌اند تا جائی که در راهبرد هسته‌ای این دولت‌ها بر حفظ، انتخاب هسته‌ای در برابر تهدیدات متعارف از سوی، ناقضین معاهده عدم اشاعه، تأکید شده است، در حالیکه بزرگترین ناقضین معاهده عدم اشاعه، قدرت‌هایی هستند که، علاوه بر نقض تعهد خود در ماده ۶ معاهده برای خلع سلاح هسته‌ای، حتی در اشاعه عمودی و افقی این سلاح‌ها گوی سبقت را از دیگران ربوده و منجمله با کمک به تسلیح رژیم صهیونیستی به سلاح‌های هسته‌ای و حمایت از سیاست‌های آن رژیم، در اشاعه‌ی واقعی این سلاح‌ها نقش مستقیم و مغایر تعهدات خود بر مبنای ماده ۱ معاهده ایفا کرده و منطقه خاورمیانه و جهان را با تهدیدی جدی روبرو کرده‌اند و در رأس این دولت‌ها، رژیم زورگو و متجاوز ایالات متحده آمریکا است.

جا دارد که کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح، ضمن بررسی خطرهای تولید و انباشت سلاح هسته‌ای در جهان، بطور واقع بینانه راهکارهایی را برای مقابله با این تهدید علیه بشریت ارائه کند تا بتوان گامی جدی در مسیر پاسداری از صلح و ثبات جهانی به پیش نهاد.

به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملتها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه‌ی امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاحها را حرام، و تلاش برای مصنویت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان میدانیم.» (امام خامنه‌ای "مدظله العالی" ۱۳۸۹)

پیام آیت الله مکارم شیرازی به اجلاس نم (۱۳۹۱/۶/۸): حرمت تولید و بکارگیری سلاح‌های کشتار جمعی مورد اتفاق علمای دینی ما است. دشمنان ما دائماً واقعیت‌ها را برای نیل به مقاصد سیاسی و حفظ منافع مادی خویش تعریف می‌کنند و نیز به همین دلیل معتقدیم تمام سلاح‌های کشتار جمعی موجود در دنیا باید هرچه زودتر از بین برود.

برخی از فقهای معاصر نیز بر عدم جواز ساخت و به کارگیری چنین تسلیحاتی تصریح نموده‌اند. به استفتائاتی که از مراجع بزرگ زمان حاضر انجام شده توجه فرمایید: متن استفتاء از برخی از فقها و مراجع معاصر نیز به این شرح است:

سؤال: با عنایت به روایت شریفه «ان النبی (ص) نهی أن یلقى السم فی بلاد المشرکین» که در متون مختلف فقهی جهت حرمت استفاده از سم علیه بلاد مشرکین مورد استناد قرار گرفته است، مرقوم فرمایید: آیا در خصوص تسلیحات کشتار جمعی مانند بمب‌های هسته‌ای و شیمیایی و میکربی هم همین حکم می‌تواند جاری باشد؟

پاسخها

آیت‌الله سبحانی:

حرمت به کارگیری سلاحهای کشتار جمعی نظیر سلاحهای شیمیایی در شهرها نیازی به استدلال به این روایت ندارد، بلکه اصل حرمت همراه اوست. گذشته بر این با سلاحهای یاد شده افرادی که کشتن آنها جایز نیست کشته می‌شوند. مانند پیرمرد، زن و کودک. (۷ رمضان المبارک ۱۴۲۹)

آیت‌الله مکارم شیرازی:

استفاده از این تسلیحات جایز نیست. (۶۵ و ۸۷)

آیت‌الله بهجت:

جائز نیست. ۱۳۸۱/۰۵/۱۲

در خصوص به کارگیری سلاحهای کشتار جمعی در معامله به مثل هرچند مورد سوال قرار نگرفته، ولی از نظر قواعد کاملاً حکم آن روشن است:

نظر فقهی آیت‌الله سید مصطفی محقق داماد:

به نظر ما برخی اعمال که حرام هستند، در شرائط ضرورت حلال می‌شوند؛ مثلاً خوردن مشروبات الکلی برای مسلمانان حرام است، ولی اگر شخصی نجات جاننش به خوردن یک جام مشروب باشد و طیب حاذق تایید کند، این عمل حلال می‌شود؛ ولی من از نظر فقهی قائل به ممنوعیت برخی گناهان به نحو مطلق هستم. به جواز دروغ مصلحت‌آمیز قائل نیستم. من فکر می‌کنم برخی از اعمال خوبی به نحو مطلق در ذات آنهاست و برخی اعمال زشتی به نحو مطلق در ذات آنهاست. اینها قابل تغییر بر اساس تغییر اوضاع و احوال

نیستند. ظلم زشتی مطلق دارد و عدالت حسن مطلق. استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از مصادیق ظلم است و هیچ وقت در هیچ شرایطی به کارگیری از آنها مجاز نیست و همیشه در همه احوال حرام است. (محقق داماد ۱۳۹۲)

شیخ طوسی در الاقتصاد، نهاییه و الجمل و العقود، حلبی در اشاره السبق، ابن زهره در غنیه، ابن ادریس در سراء، حلی در جامع الشرایع و ابن حمزه در کتاب وسیله به عدم جواز کلی (نهی از کشتن انسانها و استفاده از سم و کشتار جمعی) اشاره کرده‌اند.

ریشه این فتوا روایتی از پیامبر (ص) است که مرحوم کلینی در اصول کافی جلد ۵ ص ۲۸ نقل کرده است و سند صحیحی هم دارد. پیامبر در این روایت از القاء سم در بلاد مشرکین نهی کرده است: النبي (ص): «نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ»

نظر خلیل المالکی در رساله خود در باب جهاد: بر هر رزمنده‌ای ممنوع است از اینکه سلاحی به کار ببرد که موجب جراحت و آسیبی افزون بر آنچه که در جنگ ضروری است، بر دشمن خود گردد. همچنین بکار بردن نیزه‌های سمی ممنوع است، زیرا چنان نیزه‌هایی رنج و جراحت غیر موجهی بر قربانی وارد می‌سازد.

محمد حسن النجفی فقیه نامور امامیه نیز به صراحت از ممنوعیت استفاده از سم در جنگ سخن گفته است.

بسیاری از فقهای جهان اسلام استفاده از سلاح‌های آتش‌زاد در میدان جنگ را حرام دانسته‌اند. بی‌شک بخشی از سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی نیز نوعی آتش‌زا هستند که مشمول این نظریات فقهی هستند.

علمای اسلام با نزدیک کردن و تمرکز بر اندیشه‌های مشترک و با تأکید بر نص صریح قرآن و احادیث (بویژه با تأکید بر احادیث پیامبر) می‌توانند اندیشه‌های شیعه و سنی را کنار بگذارند و به هم نزدیک شوند.

دست‌آورد

اسلام دین صلح و آرامش است. آیات متعددی نشان داد که انسان دارای کرامت است و حیات آدمی تا چه اندازه مورد تأکید قرار است و کشتن یک انسان همانند کشتن جمعی است. انسان خلیفه الله نامیده شد پس باید مورد احترام و ارزش قرار گیرد. آیات و روایات

بیانگر این مطلب بود که انسان‌ها باید همواره به یکدیگر احترام گذارند. اخلاق اسلامی نشان می‌دهد که حتی در هنگام جنگ باید به انسان‌ها توجه داشت و حرمت جان آدمی مورد تاکید قرار گرفته است. خداوند می‌فرماید: «با کسانی بجنگید که با شما می‌جنگند» این آیه نشان می‌دهد که نمی‌توان از ابزاری در جنگ استفاده کرد که هم‌هی افراد کشته شوند. باید میان افراد نظامی و غیر نظامی در منازعات مسلحانه تفکیک قایل شد. فقیهان اسلامی متفقاً تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان را پذیرفته‌اند. در مفهوم اسلامی افراد و جمعیت غیر نظامی از خطر مخاصمات عمومی و عملیات نظامی مصون هستند. تمامی حملات کور و بدون تبعیض و تهدید به ایجاد وحشت و ترور و عملیات تلافی جویانه علیه غیرنظامیان از منظر اسلام ممنوع شده است.

بررسی مسائلی چون حق حیات، کرامت انسانی، اخلاق در اسلام، روایات و نظر فقها نشان داد که جان آدمی در اولویت است و کشتار مردم بی‌گناه به هر طریقی منفور و حرام است. از پیامبر (ص) نقل شده است که: «خداوند آنانی را که در این دنیا مردم را شکنجه می‌کنند، عذاب خواهد کرد.»



پی‌نوشت‌ها:
قرآن کریم
الف - منابع فارسی

کتب:

۱. آیتی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶). تاریخ پیامبر اسلام (ص). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۲. ابوالفضل، علیرضا. (۱۳۸۸). جنگ و دفاع و جهاد در قرآن، از منظر پیامبر اسلام (ص). موسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم
۳. ابراهیمی، محمد. ۱۳۷۷. اسلام و حقوق بین الملل عمومی. تهران: انتشارات سمت
۴. احمدی میانجی، علی. (۱۳۸۸). حقوق مخاصمات مسلحانه در اسلام. ترجمه محمد احمدی میانجی. تهران: دادگستر
۵. اشراق، محمد کریم. (۱۳۶۸). تاریخ و مقررات جنگ در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۶. تقی زاده اکبری، علی. (۱۳۸۶). قوانین و مقررات جنگ و صلح در اسلام. قم: زمزم هدایت
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء
۸. حسینی، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۶). جهاد و حقوق بین الملل. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۹. حیدری، حمید. (۱۳۷۶). توسل به زور در روابط بین الملل از دیدگاه حقوق بین الملل عمومی و فقه شیعه. تهران: اطلاعات
۱۰. خدوری، مجید. (۱۳۸۸). جنگ و صلح در قانون اسلام. ترجمه سید غلامرضا سعیدی. تهران: اطلاعات
۱۱. خسروشاهی، سیدهادی. (۱۳۸۸). جنگ‌های صدر اسلام و جنگ‌های دیگران، با مقدمه: جنگ و صلح در اسلام. اثر مجید خدوری، ترجمه سید غلامرضا سعیدی. تهران: اطلاعات
۱۲. خلیلیان، سید خلیل. (۱۳۷۰). حقوق بین المللی اسلامی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۳. دستغیب، سید عبدالحسین. گناهان کبیره. شیراز: کانون تربیت، بی تا
۱۴. ذاکریان، مهدی. (۱۳۹۰). اخلاق و روابط بین الملل. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
۱۵. ذاکریان، مهدی. (۱۳۸۸). مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی. تهران: میزان
۱۶. ذاکریان، مهدی. (۱۳۹۳). همه حقوق بشر برای همه. تهران: میزان

۱۷. سلیمی، عبدالحکیم. (۱۳۸۶). نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۱۸. سلیمانی خواه، نعمت‌الله. (۱۳۸۸). پیروزی در جنگ، آموزه‌های قرآن و سنت. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس
۱۹. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۲). تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
۲۰. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶). جهاد در اسلام. تهران: نشر نی
۲۱. ضیایی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۸۵). اسلام و حقوق بین‌الملل. تهران: گنج دانش
۲۲. طباطبائی، سید محمد حسین. ۱۳۸۲. تفسیر المیزان. ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی. ۱۳۸۳. فقه سیاسی (ج ۵)، حقوق وقواعد مخاصمات مسلحانه در حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین‌الملل اسلام. تهران: امیرکبیر
۲۴. عمید زنجانی، عباسعلی. ۱۳۸۳. فقه سیاسی (ج ۶): اصول ومقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه. تهران: امیر کبیر
۲۵. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۸). حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام. تهران: سمت
۲۶. فتحعلی خانی، محمد. ۱۳۷۹. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق (ج ۱). دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی
۲۷. قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۷۸). اخلاق و حقوق بین‌الملل. تهران: سمت
۲۸. قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۹. کریمی‌نیا، محمد مهدی. (۱۳۸۶). همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۳۰. لطفی، عبدالرضا. و [دیگران]. ۱۳۸۹. حقوق بشر دوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی (جلد دوم)، تهران: هستی نما
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۳). حقوق بشر دوستانه بین‌المللی رهیافت اسلامی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی

۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۲). **جنگ و جهاد در قرآن**. تهران: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)

۳۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). **جهاد**. قم: انتشارات صدرا

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۲. **القواعد الفقهیه**. قم: مطبعه الحکمه

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۰. **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه

۳۶. ممتاز، جمشید. ۱۳۷۷. **حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی**. ترجمه ی امیرحسین رنجبران. تهران: نشر دادگستر

۳۷. نهج البلاغه. (۱۳۸۳). **کلمات علی ابن ابی طالب (ع)**. ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات پارسیان

۳۸. نهج الفصاحه. (۱۳۸۶) سخنان پیامبر اکرم (ص). ترجمه علی اکبر میرزایی، قم: انتشارات چاف

مقالات:

۱. ارگانی. (۱۳۸۶). **مقارنه تطبیقی حقوق بشر دوستانه بین المللی و شریعت اسلام**. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها

۲. الدرر، حسن. ۱۳۸۶. **مبانی قرآنی حقوق بشردوستانه**. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: چاپ سها

۳. حسینی، سیدحسین. ۱۳۸۶. **مقابله به مثل و اقدامات تلافی جویانه در حقوق بشر دوستانه بین المللی و شریعت اسلامی**. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین المللی بشردوستانه جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: چاپ سها، زمستان

۴. رحمانی، محمد. ۱۳۸۶. **نقش اصول و قواعد اسلامی در توسعه حقوق بشردوستانه**. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: چاپ سها

۵. زکی، ناظر حسین. ۱۳۸۶. **حمایت از محیط زیست در مخصصات مسلحانه**. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ، تهران: سها

۶. ساعد، نادر. ۱۳۸۶. چارچوب بندی کاربرد سلاح‌های ممنوعه در حقوق بشردوستانه و اسلام. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۷. سند، محمد. ۱۳۸۶. اصول بنیادین کرامت انسان و مصون داشتن آن. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشر دوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۸. عالی، عبدالروف. ۱۳۸۶. حقوق بشر دوستانه بین الملل اسلامی در آینه قرآن و سنت. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۹. عظیمی شوشتری. ۱۳۸۶. جستاری در قوانین و مقررات بشردوستانه در اسلام. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۱۰. قربان نیا، ناصر. ۱۳۸۶. حمایت از انسان و انسانیت، پایه نهایی تعهد در نظام بین الملل حقوق بشر دوستانه. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۱۱. کدخدایی، عباسعلی. و امیر ساعد وکیل. ۱۳۸۶. اصل تفکیک نظامیان و غیر نظامیان در اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۱۲. کریمی نیا، محمد مهدی. ۱۳۸۶. اصل تفکیک در اسلام و حقوق بشردوستانه یا اصول محدود کننده جنگ در مورد اشخاص. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشر دوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۱۳. محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۷۴. تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن. مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸
۱۴. محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۸۶. فلسفه حقوق بشر و حقوق بین‌المللی بشر دوستانه، دیدگاه اسلامی. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۱۵. محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۹۲. نگاهی از منظر حقوق بشر دوستانه اسلامی به کاربرد سلاح‌های شیمیایی. روزنامه اطلاعات، ۱۶ شهریور

۱۶. مصفا، نسرين. ۱۳۸۶. میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشر دوستانه بین‌المللی. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۱۷. میرمحمدی، سید مصطفی. ۱۳۸۶. مقابله به مثل مسلحانه در اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها
۱۸. یوسفی راد، مرتضی. ۱۳۸۶. مبانی فلسفه حقوق بشردوستانه در اسلام. مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ. تهران: سها

Website:

1. [http:// www.leader.ir](http://www.leader.ir)
2. <http://www.sid. ir>
3. <http://www.noormangs. com>
4. <http://www.howzeh. com>
5. <http://www.ettelaat. Com>
6. <http://www.rasekhon. net>
7. <http://www.pajoohe.com>
8. <http://www.najvan.com>

